

به کوشش: ایرج افشار، محمد رسول دریا گشت



تهران، فلسطین شمالی، ۱۴۶، طبقه سوم، نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص) تلفن:

۶۵۹۸۴۴

□ نام اثر: مخابرات استرآباد، گزارشهای حسینقلی مقصودلو و کیلالدوله، جلد دوم (۱۹۱۷/

۱۹۲۴ میلادی مطابق ۱۳۳۵/۱۳۳۳ هجری قمری)

□ به کوشش: ایرج افشار؛ محمدرسول دریاگشت

□ چاپ اول

□ تاریخ چاپ: شهریورماه ۱۳۶۳ خورشیدی

□ حروفچینی و چاپ: نقش جهان

□ لیتوگرافی: پیچاز

□ صحافی: میخک

□ تیراژ: ۵۰۰۰ (پنج هزار) نسخه

□ حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

### درباب معزولی

روز مذکور وثوق الدوله تلگرافی به یاور ابوالفتح خان صاحب منصب ژاندارم می نماید، کفالت حکومت استرآباد به شما سپرده شده است تا حکومت معلوم شود. سالار اشرف کفیل حکومت سردار معزز تازه از نکارمن وارد شده و سه روز معاونت حکومت را داشته توهین و سکنه بزرگی وارد به مشارالیه گردیده. شب ۱۷ تعرضاً از استرآباد حرکت کرده به محل بیلاق خود می روند. لکن برای تغییر کابینه و کفالت سه روزه سالار اشرف باعث تجری تراکمه شده است. شب و روز مشغول تاخت و تاز و غارت و قتل نفوس محترم و اغتشاش توی شهر و چند فرقه بودن اهالی به ضدیت همدیگر و آوردن تعرفه برای انتخاب وکیل و پارتی بازی و عوامفریبی برای غرضای شخصی و نفع خود و انداختن شب نامه به خانه های بعضی محترمین برای گرفتن وجه و ترساندن مردم [اند]. کلیه اول مغرب درهای خانه ها [را] بسته از ترس کسی را به خود راه نمی دهند.

### درباب سرقت

شب ۱۸ ماه اگست دزد ولایتی خانه میرزا احمد حکیم را شکافته به قرب هشتصد تومان از پول مسکوک از نقره و پنج مناتی و طلای ساخته به سرقت بردند.

### درباب ژاندارم

بقیه سواره ژاندارم ابواب جمعی نصرالله خان سلطان که مشارالیه شخصی متهور بوده و اغتشاش ولایتی و قتل ساعدا السلطنه به مساعدت سلطان مذکور بنوده برای عزیمت به طهران حکم تلگرافی رسیده بود، سیصد تومان از رعیت فلک زده به عنوان حمل بنه با سرنیزه گرفته، بیست رأس مال برای حمل توپ و بنه نگاه داشته، روز نوزدهم با هفتاد سواره ژاندارم حرکت نموده، بین راه تا شاهرود مردم را چاپیده، یک نفر رعیت شاهکوهی را در بالای قزلق به قتل رسانیده، تفنگ و مال او را به غارت بردند. اهالی شهر عموماً از رفتن ژاندارم و نصرت الله خان سلطان شکر کرده و تمام بلوای شهر و انقلاب از ناحیه مشارالیه بوده است. فقط یاور ابوالفتح خان با دو صاحب منصب و دکتر و بیست و پنج نفر ژاندارم پارکابی و شصت نفر پیاده که از استرآباد گرفته آن هم از گرسنگی و نرسیدن حقوق عوام فریب استعفا خواهند داد استرآباد توقف دارند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۴۵

۱۹۱۸

### درباب سرقت

شب بیست و یکم ماه اگست دزد طایفه اتابائی به شهر آمده گذرینی کریمی خانه ای

شکافته به قرب دویست تومان اجناس و ملبوس به سرقت بردند.

### درباب حکومت

وزیر داخله تلگرافی به ابوالفتح خان کفیل نموده است [که] حکومت استرآباد واگذار به عبدالحمید خان کاشی سردار مقتدر [شده] به دستور العمل او رفتار نمایند.

### درباب سرقت

بیست و سیم ماه مذکور تراکمه طایفه داز دوفر رعیت از حسین آباد ملک سه فرسخی مشرقی با دو رأس مال اسیر کرده بردند.

### درباب غارت و تهریک تراکمه

محمد باقر خان سردار رفیع که در مازندران با اتحاد اسلام و جنگلیها معیت داشته به خیال حکومت استرآباد مراجعت به هزارجریب کرده با طهران مشغول مذاکره [شده] و سه هزار تومان وجه تقدیمی را دادند. ضمناً طایفه جعفریای را محکوم است که شرارت و قتل و غارت نمایند. من جمله به تصویب مشارالیه هیجده نفر ترکمان جعفریای پیاده از خاک هزارجریب به چمن ساور می روند. یک دسته مکاری پنجاه رأس قاطر مال التجاره از شاهرود حمل بندر جز نموده، تراکمه شاترده رأس قاطر خوب را بادوبار آب نبات، شش من تریاک و چهار جعبه ایضاً تریاک که با چاپار حمل شده، مال و نوشتجات پست را برداشته از گدوگ درازنو مراجعت کرده جنب قریه بالا جاده چهار فرسخی مغربی به صحرارفتند.

### درباب اسیر

بیست و هشتم ماه مذکور پنج نفر رعیت سعدآبادی از راه جهان نما سه فرسخی مغربی می آمدند تراکمه جعفریائی بسخو داشته آدمها به انضمام مال و دو جلد روغن گرفته به غارت بردند.

### درباب نواقل

میرزا عیسی خان رئیس غیر مستقیم از طرف وزارت مالیه به اموریت نواقل وارد [شده] به دستور العمل مالیه استرآباد از تاریخ هفتم برج اسد مشغول گرفتن نواقل گردیده، یک ماهه عایدی نواقل از سه دروازه شهر دویست و پنجاه تومان شده است.

### درباب معزولی

حاج میرزا کریم خان رئیس تحدید معزول [شده] میرزا داود خان پسر مجدالملک به ریاست تحدید وارد شده. بسیار جوان معقول هستند.

نصر آبادی با ترکمان تصادف می نمایند. طرفین تیر خالی کرده يك نفر رعیت با يك نفر ترکمان مقتول [شده] و نمش ترکمان را به شهر آورده كفیل حکومت انعام می دهد.

#### درباب حکومت

چندی است حرکت نواب والا معتمدالدوله تأخیر افتاده برای فوت عیال و مریض داشتن، اینک سه روز است حرکت نموده اند.

#### نمره ۷

۲۶ ماه مرج ۱۹۱۹

#### درباب چپاول

سی و يك نفر ترکمان جعفر بائی و اتابائی بین رودخانه شاهکوه و چمن سار بسخو می نمایند که عبور مکاری از شاهرود به سمت بندرجز می شود. يك قافله بزرگی پنججاه رأس قاطر و مال تماماً بارداشته از قبیل قندوشکر و قماش و خشکه بار، بادام و دوازده و نیم [....] تریاک متعلق به يك نفر رعیت میامی و يك نفر گماشته امیراعظم همراه بوده ترکمانها شلیک تفنگ می نمایند. حامل تریاک و گماشته امیراعظم را به قتل رسانیده تمام بارها را با قاطرها و غیره چپاول کرده به سمت رادکان می آیند. سی رأس گوسفند شاهکوهی را روی بارها گذارده از راه گدوک صندوق که پشت قریه صیده میران است مراجعت کرده مکاریها را نزدیکی صحرا رها می نمایند. از قرار مذکور غلام پستخانه خط بندرجز هم همراه بوده و تریاکی هم داشته به انضمام پانصد تومان وجه نقد که در جوف بارها بوده دست خوش تراکمه شده نفری پانزده تومان و پنج هزار وجه را تقسیم [کرده] و ابتدا رؤسای استراباد با خوانین از این امر متألم نشده چون مقصود ایشان همراهی و مساعدت از تراکمه اشرار است و علناً آنها را محرك هستند.

#### درباب مأموریت قزاقها

به عرض رفته بود ملک فغانعلی مأمورین حکومتی را بیرون کرده است. بیستم ماه مرج پانزده نفر قزاق به امر كفیل مأمور شده ملک فغانعلی را مغلولاً به شهر بیاورند. سیصد نفر پیاده تفنگی از طرف ملک فغانعلی جلو راه را مسدود نموده بودند. [به] ورود قزاقها به رودخانه میرمحله شلیک تفنگ گردیده، قزاقها به سمت جنگل فرار کرده، سه نفر مراجعت به شهر نموده راپرت می دهند كفیل حکومتی با کلنل لاوریی مذاکره برای شرارت ملک فغانعلی و دستگیری او می نمایند. مجدداً روز بیست و یکم یکصد و پنججاه نفر قزاق و دو صاحب منصب با يك عراده توپ به سمت حسین آباد می روند. رعایای ملک راه عبور را به قزاقها مسدود [کرده] از ترس خود را به قریه مرزبانکلانه انداخته سنگر

نمودند. يك شب و يك روز از ترس بیرون قریه نرفته بودند. گماشته سالار اشرف را كفیل حکومت برای اصلاح به حسین آباد فرستاده با ملک فغانعلی قرار دادند يك نفر وکیل معین نموده در عدلیه با وکیل حاج محمد مهدی مذاکره و طی گفتگو نمایند. يك رأس اسب و یکصد تومان ملک فغانعلی به سالار اشرف قزاق تعارف داده، قزاقها مراجعت به شهر [کرده] ملک فغانعلی هم استقبال معتمدالدوله به شاهرود رفتند.

#### درباب تراکمه

ایضاً خبر رسید یکصد و پنجاه سوار طایفه ایلغی يك فرسخ زیر حد قریه سرخونکلانه اردو زده اند و خیال شرارت و چپاول و تقاص سخون محمدخان را می نمایند. حیدر قلی خان پسر حاج رحیم خان جداً در مقام جلوگیری برآمده تفنگ زیادی به رعیت داده شب و روز قراول گذارده، لاکن قتل محمدخان ایلغی باعث خسارت و زحمت رعایا گردیده که نمی توانند امساله را کشت و زرع بنمایند. تاچه اقتضا کند.

#### درباب چپاول

روزی بیست و چهارم ماه مرج هشتاد سوار جعفر بائی به سرداری پسر حاج محمدخان ۸۹... که سپهدار اوایل مشروطه خواهی او را در استراباد بخته کرده بود سیصد رأس گاو قریه اجابن را يك فرسخی مغربی چپاول و يك نفر رعیت مقتول [کرده]، دو نفر هم تیر گرفته و دو نفر را هم بردند. رعایای قریه اجابن به اجازه شیخ نصرالله پسر حاج شیخ حسین که وکیل متولی قریه مذکور است در شهر چهارده نفر ترکمان جعفر بائی را با هیجده رأس مال گرو کرده به اجابن بردند. تراکمه جعفر بائی ناچاراً\* برای استرداد اسرای خود گاوها را مسترد کرده به قریه پنججاه رأس گاوها را مسترد نمودند.

#### درباب حکومت

ایضاً روز مذکور نواب والا معتمدالدوله حاکم استراباد از سمنان به كفیل تلگراف کرده سالار اشرف را به شاهرود بفرستید. روز بیست و پنجم سالار اشرف حسب الامر معتمدالدوله حکمران به شاهرود رفتند.

#### درباب مأمورین

سردار جلیل از ساری به شاهزاده رئیس مالیه تلگراف نموده است یکصد قبضه تفنگ پنج تیره، یکصد هزار تیر فشنگ خریداری کرده به مأمورین روانه نمایند.

### درباب والی زاده رئیس تلگراف

مشارالیه چندی با تاجار استرآبادی طرفیت داشتند. تاجار عریضه شکایت آمیز به آقای رئیس الوزراء عرض نمودند. حکم شد والی زاده به عنوان تعمیرسیم راه مازندران روز چهارم حرکت کرده از بارفروش عزیمت طهران نمایند.

### درباب تراکمه

ایضاً خبر رسید بین طایفه قجق و سایر طوایف که جعفرآبی و اتابائی باشند یک خصومت و عداوتی سخت گردیده، شب و روز مشغول نزاع هستند. ترکمانهای قجق به ترک رفته دونفر چاروای آقا اتابائی را به قتل رسانیده یک بلوک گاو، مسال چپاول کرده بردند.

### درباب سرقه

به عرض رفته بود ملازمان امیرامجد را امر شد تحت الحفظ به استرآباد بیاورند. ورود به اشرف چون عده ای ژاندارم در آنجا بود سارقین پناهنده شده و پنج ساله کنترات نوکری نموده قوطی سیگار طلا را به صاحب منصب ژاندارم می دهند.

### درباب مازندران

ایضاً به واسطه مخالفت خوانین مازندران دولت علیه امر کرده به اداره ژاندارم خوانین را خلع اسلحه نمایند. هشتم ماه جولای ژاندارم به قریه لیوان هشتیکه که جزء بلوک استرآباد است آمده یعقوبعلی سلطان مباشر نواب سیف الملک [را] خلع سلاح [کرده و] بیست و سه قبضه تفنگ سیستم مختلف و براونیک و موزر از مشارالیه گرفته رفتند. نواب معتمدالدوله در این باب به طهران مذاکره کرده، استرآباد با بودن تراکمه ابداً جایز نیست کسی را خلع اسلحه بنمایند. اول باید اسلحه ترکمان را جمع آوری نمود بعد از اهل ولایت به سهولت می توان گرفت.

### درباب قزاقها

یکصد نفر قزاق که از خراسان مأموریت استرآباد آمده [بودند] مجدداً امر شد عودت به محل سابق نمایند. به اتفاق سالار اشرف فرمانده روز دوازدهم حرکت کرده رفتند.

### درباب عداوت تراکمه

کلیه طوایف یموت که باهم نزاع نمودند و قتل واقع شد علی الرسم قاتل مجبور است از مکان مقتول فرار کند و برود به طایفه دیگری. بعد از یک سال یا دو سال اگر طرفین میل به اصلاح نمایند جمعی از ریش سفیدان خیراندیش جمع شده خون بست نمایند، و الا تا شخص قاتل زنده باشد باید تقاص نمایند و بعد اولادها تقاص می نمایند.

قربان نام طایفه اتابائی با طایفه جعفرآبی خوئی بوده یک نفر را به قتل رسانیده بود. چهاردهم ماه جولای بستگان مقتول با عرابه به شهر آمده بودند و قربان نام هم به شهر بوده بیرون دروازه شهر کسان مقتول در کمین می شوند. چهارتیر برای قربان خالی کرده یک تیر به او می خورد. گماشتگان ایالت مخبر شده مرتکبین را گرفته حبس کردند. قربان را در شهر آورده مشغول معالجه هستند. خوانین و پیرمردان جعفرآبی خدمت نواب والا یک رأس اسب تقدیم کرده مرخصی برای محبوسین حاصل شده رفتند.

### درباب گرفتن اسلحه مازندران

ایضاً خبر رسید اسمعیل خان امیر مؤید را خلع اسلحه نمودند و سردار جلیل را هم برای اسلحه توقیف کرده از آنجا به هزارجریب می روند که سردار رفیع را خلع اسلحه نمایند. مشارالیه به اتفاق امیراکرم پسرش فراراً به استرآباد آمده پناهنده به حکمران می شوند. نواب والا شیرزادخان سرتیپ توپخانه را به هزارجریب فرستاده دوستانه از مأمورین مهلت گرفته شود. تا اینکه با آقای رئیس الوزراء مذاکراتی کرده قرار قطعی بدهند. تاجچه اقتضا کنند.

### درباب سارق

هفدهم ماه مذکور سه نفر دزد ولایتی که از شاهکوه و چمن ساور مال سرقینی همراه داشته چهارفرسخی مشرقی قراسورانها با خبر شده یک نفر سارق را دستگیر کرده با پنج رأس مال و اجناس خدمت حکمران در شهر آورده تسلیم نمودند.

### نمره ۱۷۵

۲۸ جولای ۱۹۱۹

### درباب مازندران

چندی است برای انقلاب مازندران و اجحافات ژاندارم سانسورگذارده و نوشتهجات را نمی رسانند. سردار جلیل را با سردار مکرم لازبجانی تحت الحفظ به طهران برده اسمعیل خان امیر مؤید به سوادکوه رفته و سنگزبندی محکمی می نمایند. ژاندارم و قزاق برای گرفتن مشارالیه مأمور گردیده از قرار مذکور دومرتبه هم جنگ نموده برای مأمورین پیشرفتی حاصل نشد. سردار رفیع که به حکومت استرآباد پناهنده شده است نواب والا تلگرافی نوشته درباره مشارالیه به رئیس الوزراء مخبره می نماید. جواب رسیده سردار رفیع را به فوریت روانه به مرکز نمایند. مساعدت بایشان خواهند شد. عجلتاً برای جمع آوری اسلحه مازندران دولت سختگیری نموده، لکن رعایای بیچاره از تعدیات ژاندارم و قزاق صاحب مال و مواشی و ناموس نمی باشند.

به من نرسیده سوار یموت هم حقوق نداده، کراراً از حکومت استراپاد استعفا داده جواب نمی‌رسد، لهذا خود دانیید. به موجب اجازه معزی‌الیه فوراً دونفر ترکمان را گرو می‌نمایند. تاجچه اقتضا کند.

#### درباب سرقه

ایضاً خبر رسید تراکمه داز سه نفر کتولی را بخت [کرده] یکصد و پنجاه فرد گاو از قریه پیچاک محله ۲۱۲ شش فرسخی مشرقی چپاول کردند.

#### درباب اسیر

دهم ماه جون خبر رسید تراکمه طایفه ایلغی دونفر رعیت از قریه سرخونکلاته اسیر کرده بردند.

#### درباب قتل

شب ۱۲ ماه جون تراکمه اتابائی به قریه علوی کلاته رفته یک نفر رعیت را مقتول [ساخته] و یک نفر هم اسیر، دورأس مال هم بردند. تاجچه اقتضا کند.

#### درباب ژاندارم

۱۳ ماه مذکور میرزا علی اکبر خان نائینی نایب الحکومه بندر به حکومت تلگرافاً خبر می‌دهد کلنل فرج‌الله خان ۲۱۴ با دو بیست ژاندارم وارد [شده] یک شب در کردمحله توقف روز [کرده] ۱۴ [ماه] وارد خواهند شد.

#### نمر ۱۷۵

۲۵ ماه جون ۱۹۲۱

#### درباب ورود

۱۳ ماه جون از طرف حکومت و سایر ادارات جمعی استقبال کلنل فرج‌الله خان رفته مقارن ظهر با عده‌ای ژاندارم وارد [شده] یکصد سوار، دوعراده توپ، دو بیست و پنجاه نفر پیاده هستند. از قرار مذکور سیصد و پنجاه نفر هم بعد خواهند آمد. کلنل مذکور اظهار می‌دارد شش ماهه مأموریت دارند که تراکمه را مجازات و اسامحه را جمع نمایند و به قرب پانزده هزار تومان اثنائیه ژاندارم را در مازندران امانت گذارده خیلی مایل به مراجعت هستند. این چند روزه همه شب ترکمان به ضدیت نواقل و ژاندارم اطراف

۲۱۳- (پیچاک محله).

۲۱۴- ظاهر آقاولی که بعداً به سپهبدی رسید.

شهر آمده اتصالاً از طرفین تیر خالی شده، لکن آسیبی نمی‌رسد. تاجچه اقتضا کند.

#### درباب حبس

ایضاً حکومت سه نفر ارامنه را به عنوان بالشویکی توقیف کرده، از قرار مذکور خاطر ۲۱۵ خواه عیال یکی از ارامنه می‌باشد. مقصود به عمل نیامده بهانه جوئی [نموده] بیچاره‌ها را حبس می‌نماید.

#### درباب ورود

پانزدهم ماه جون حسب الامر حکومت میرزا علی اکبر خان حکومت بندر با رئیس گمرک به استرآباد آمده تلگرافاً خبر رسید یک پراخوت که دارای سی و یک نفر بالشویک می‌باشد اجزاء سفارت طهران هستند وارد [شده‌اند]. لکن اجازه خارج شدن از پراخوت به آنها داده نشده است. تاجچه اقتضا کند. حسب نقلی.

#### درباب چپاول

ایضاً به تحریک قائم مقام میرزاهاشم و آقا هادی که پارتی مشارالیه هستند تراکمه جعفر بائی را محرک شده یازده نفر ترکمان به چمن ساور می‌روند. خیابان بندر جز مشهور به گدوک بارکلاه مال التجاره حمل به شاه‌رود می‌شود. شصت رأس قاطر چپاول کرده، یک رأس مال هم در گدوک صندوق جهان‌نما بایک نفر دامغانی دستگیر نموده بردند. رسیدن این خبر به حکومت فوراً تمام رؤسا و تجار و علمای استرآباد را به دارالحکومه احضار نموده به واسطه نرسیدن حقوق و نداشتن سواریموتی را شرحی پیشنهاد کرده اهالی و حضار مجلس مجبوراً به دولت تلگراف نمایند دو بیست نفر سوار از ترکمان لازم است برای سرحدی. به این عنوان هم پولی از دولت اخذ نماید. روز شانزدهم به امر حکومت تلگرافخانه جمعی رفته به دستور قائم مقام تلگرافی مفصل به ریاست وزراء و احمد شاه تظلم می‌نمایند.

#### درباب قتل

شب ۱۷ ماه جون تراکمه طایفه داز به قریه قرن آباد دوفرسخی مشرقی [رفته] یک رأس مال سرقه [نموده] یک نفر رعیت را مقتول نموده رفتند.

بهست نیامده مراجعت به کراسنودسکی نمودند.

#### درباب وجه

دویم ماه جون د[ه] هزار تومان وجه به حواله تلگرافی برای حکومت استراباک رسیده. فوراً خوانین آتابائی و جعفربائی را احضار می نماید. هشتاد نفر سوار ماهی شائزده تومان، دوفتر رئیس ماهی پنجاه تومان و دوفتر خان طایفه ماهی صد تومان حقوق یک ماهه به آنها داده رفتند. بیست نفر سوار آتابائی و یک نفر رئیس ماهی پنجاه تومان و دوفتر یوزباشی ماهی سی تومان حقوق یک ماهه را مساعد گرفته پست خط شمال را به ایشان واگذار نموده محافظت بنمایند. تا چه اقتضا کند.

#### درباب چپاول

هفتم ماه جون خبر رسید سی نفر پیاده جعفربائی در چمن ساور بسخو داشته چهل رأس قاطر قند و شکر از راه بارکلاه حمل بندر جز می کردند، چپاول می نمایند. [از] مکاری [ها] یک نفر فرار کرده به کرمه حمله خبر می دهد. عده ای از اهالی کرمه حمله جلوگیری از ترکمانهای یاغی و تصادف می کنند. یک ساعت جنگ کرده دوفتر ترکمان مقتول [شده] و سه رأس قاطر را بادوفتر مقتول ترکمان به کرمه حمله می برند. تراکمه برای نعلهای خودشان ناعلاج مانده مالهای مکاری [را] در شهر خدمت حکومت فرستاده تسلیم نمودند و امر شد نعلهای تراکمه را مسترد نمودند. تا چه اقتضا کند.

#### نمره ۱۹۵

۱۵ ماه جون ۱۹۴۲

#### درباب بالشویکها

صد نفر تراکمه ساکن حسینقلی و چکشلر که قاتل سه نفر بالشویک بوده و فراراً به گوش تپه آمده پناهنده شدند، هفته قبل رانچ پراخوت نظامیان روسی وارد عشوراده شده نمایش می دهند به عنوان گرفتن سه نفر ترکمان قاتل. اهالی گوش تپه ابداً اعتنائی نکرده قاتلین را ندانند. لکن پراخوتهای مزبور موقتاً مراجعت به کراسنودسکی نموده اند. در عشوراده یک نفر انگط معین کرده و چند نفر هم اجزاء دارند. برای ورود پراخوت تجارتی و حمل و نقل فقط می باشند. نظامی تاکنون در آنجا نداشته اند و قونسول روس که شخصاً متشویک است و خانمش روسیه رفته است دوازدهم ماه جون به عنوان سرکشی توابع بندر و عشوراده و قراسو رفته اند. تا چه شود.

#### درباب تجارت

بالشویکها تجارتخانه [ای] در بندر جز مفتوح نموده اند که رشته تجارت را به توسط

میجیداف تاجر بادکوبه [ای] در استراباد، وصل به خط خراسان نموده اند و حمل نفت می نمایند، لکن عقیده جذب قلوب است و مردم ایرانی را تبلیغ می نمایند. قونسول روس هم به خوانین و رؤسای یموت بی اندازه مهربانی [می نماید]. ماهانه بعضی راهب عنوان موجب پول گرافی می دهند. لکن ترکمانها چون جنساً بالشویک می باشند چابیدن و غارت کردن شیوه مرضیه آباء و اجدادی آنها می باشد، با حال مزبور تعصب نمی گذارد زیر بار عقیده بالشویکها بروند و نخواهند رفت. تا چه شود.

#### درباب حکومت

عباس خان میر پنجه را وزیر جنگ از غره حمل به حکومت استراباد فرستاده است. آدم مغرض ۲۷۶ و کارنادان [اس] ت. در این سه ماهه اتصالاً تراکمه مشغول تساخت و تاز [اندو] در این هفته ده هزار تومان پولی برای حکومت رسیده برای جلوگیری تراکمه اظهار مهربانی نموده است. هشتاد سوار از جعفربائی ماهی شائزده تومان مواجب [دارد]، بیست نفر از آتابائی و بیست نفر از طایفه داز. به قرب دوهزار و پانصد تومان وجه نقدی را به ترکمانها داده، در ضمن یک نفر محمد حسین نام دزد [را] در جعفربائی منزل داشت ترکمانها گرفته مغلولاً برای حکومت آوردند. حسب الامر در قیصریه به دارش کشیدند. بیست و چهار ساعت روی دار بوده حکمی نوشته اعلان به عموم مردم پهلوی دار نصب کردند هر کس شرارت و دزدی نماید به این نحو مجازات و کیفر خواهد شد. مرکب اعلان خشک نشد بود به سبب قتل محمد حسین نام نفس سردار سی نفر سوار فرستاده دوزن و یک مرد از قریه کلادجان دوفتر سختی مغربی می برند.

#### درباب سرقت

ایضاً خبر رسید تراکمه ایلفی شب چهاردهم ماه مذکور به قریه سرخونکلاته می روند. یک نفر دامغانی را مقتول [ساخته]، چهار مال و شش رأس گاو و یک نفر رعیت را از بیرون قریه دستگیر نموده بردند.

#### نمره ۲۵۵

۴۶ ماه جون ۱۹۴۲

#### درباب قشون

عده مزبوره که عنوان قشون محسوب و موسوم شده اند هر يك از افراد آنها پنج ماهه حقوق طلبکارند و تمام عده از مازندران با خود عیال آورده میالغی در شهر مقروض می باشند. هیجدهم ماه جون تلگرافاً وزیر جنگ امر نموده اند عده مزبوره عودت به

## درباب خبر

ایضاً خبر رسید يك عده اردوی نظامی که دارای هشتصد نفر بوده بامهمات جنگی از راه گوکلان وارد گنبد قابوس گردیده اردوئی منعقد و ساکت می باشند و کسی را به خود راه نمی دهند. قشونیها منتشر کرده اند که نظامیهای استراباد و خراسان را برای اسلحه ترکمانها حاضر کرده اند. تاجه اقتضا کنند.

## نمره ۴۵

۱۹۴۴

## درباب

رئیس... استراباد ملقب به... يك سال است به استراباد وارد [شده و] همراه خود زنی پروانه نام [دارد] که از ارامنه قفقاز بوده و ظاهراً مسلمان شده بود، چندی در منزل میرزا باقر نام اصفهانی ملقب به مجیداف توقف داشتند. علیم الملک پسر مجیداف هم ناظم مدرسه و معاون... بوده با عیال مشارالیه آشنائی پیدا نموده به زبان ارمنی با هم صحبت می نمایند. دستوری به مشارالیه می دهد که مرخصی بادی کو به گرفته برونند... سی تومان خرجی برای عیال خود می دهد که به توسط پسر مجیداف بادی کو به برود و خودش به مدرسه دولتی منزل می کند. بعد از يك هفته به توسط قونسولگری به... خبر دادند که عیال شما به روسیه نرفته با پسرهای مجیداف که علیم الملک و کاظم آقا باشد زندگی ۴۰۷ می کند... به عدلیه عارض می شود. بدیع السلطان هم برای چند پرگاله اثاثیه ۴۰۸ که از مجیداف به رسم امانت گرفته بودند و خیال نداشتند بدهند، لذا مجیداف به اداره قشونی عارض و مجبوراً اثاثیه را پس گرفته بود، رئیس عدلیه به همان نقطه فوراً امر کرده نواب سلطان حسین میرزا مستنطق با چند نفر آژان به خانه مجیداف ریخته پروانه نام مسیحی را با مجیداف جلب می نمایند به عدلیه در تحت محاکمه می آورند. مجیداف به همان نقطه نظر سابقه شرحی به اداره قشونی و کفیل حکومت [نوشته] تظلم می نمایند. فوراً امر شد چند نفر قزاق و آژان به عدلیه ریخته مقصرین عدلیه را می برند. رئیس عدلیه جلویی می نماید. چند قنداق تفنگ به او زده پروانه را به منزل یعقوب مسیحی سپرده تا تحقیقات شود. رئیس عدلیه و... تلگراف عدیده به طهران نموده ابداً جوابی نرسیده بعد از چند روز کفیل حکومت جمعی از علما را احضار و پروانه نام مسیحی را استنطاق کردند. مشارالیه اعتراف داشت که من عیال... نیستم و «مطرس» ۴۰۹ او بودم و حال مختارم به هر جا بروم. باین دلیل کفیل حکومت مشارالیه را مرخص و تسلیم پسرهای مجیداف

۴۰۷- اصل: خیال (که هیچ مفهوم نداشت).

۴۰۸- اصل: اثاثیه.

۴۰۹- (د مطرس).

می نمایند. ... همه روزه در منزل آقایان دوندگی دارد که پروانه عیال [من] و در نکاح ۴۱۰ من است. تاجه اقتضا کنند.

## درباب ورود

حاج علی خان یاور نظامی به ریاست قشون استراباد وارد [شده] عبدالله خان یاور دفتر محاسبانی را تسلیم نمودند.

## نمره ۴۶

۱۹۴۴

## درباب قتل

شب ۱۲ ماه جولای دزد طایفه اناپائی به قریه آلوکلانته يك فرسخی مشرقی رفته مالی را سرقت نماید. صاحب مال بیدار شده فوراً تیری خالی شده رعیت مقتول [شده] و سارقین فرار کردند.

## درباب چپاول

چندی قبل نوزده ترکمان جعفر بائی در جهان نما و چمن ساور که پنج فرسخی جنوبی استراباد است می روند. چهل و هشت رأس قاطر، دوهزار تومان وجه نقد چپاول کرده می برند. صاحبان مال در استراباد آمده دویست تومان به توسط کفیل حکومت می دهند که مالهای خودشان [را] خریداری نمایند. ترکمانها راضی نمی شوند مسترد نمایند.

## درباب قتل

ایضاً خبر رسید دزد طایفه داز پنج فرسخی مشرقی دزدی می رود. به قریه میر محله مراجعت [کرده] رعابای قریه [مذکور] کمین کرده يك نفر از تراکمه سارق را تیر زده مقتول و مالهای مسروقه را گرفتند.

## ✓ دربب نظامیان

به عرض رفته بود که سید نصر نظامی از خراسان به ریاست مهدی خان سرتیپ وارد گوکلان چهار فرسخی کتول می شوند. سید نصر از آنها اکراد و تراکمه فراری خیوق و غیره بودند که جزو قشون گردیده وارد درحفر (۹) می شوند. فوری شخص خان که از اشخاص بزرگ طایفه گوکلان بوده جلب و سیورسات می خواهند. ایشان سه شب سیورسات اردو رامی دهند. باز هم حکم می نمایند مدتی که اردو توقف دارد کاملاً سیورسات را برسانند.

۴۱۰- اصل: نگاه.